

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(درسنامه دانشگاهی)

فرسوزی

تدوین:

بهجت السادات حجازی

معصومه باقری

پوران علیپور

مهین دخت فرخ نیا



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور	: فارسی عمومی : (درسنامه دانشگاهی) // مولفان بهجت‌السادات حجازی ... [و دیگران].
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۳-۹۴-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: مولفان بهجت‌السادات حجازی، معصومه باقری، پوران علیپور، مهین‌دخت فرخ‌نیا.
موضوع	: ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	: فارسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	: حجازی، بهجت‌السادات، ۱۳۳۹ -
رده بندی کنگره	: PIR ۱۳۹۱۳۳۳۱ / ۲۴۴۶ ف/
رده بندی دیویی	: ۰۷۶/فا۸ شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۵۲۰۴۵



فارسی عمومی (درسنامه دانشگاهی)

تدوین: بهجت‌السادات حجازی - معصومه باقری - پوران علیپور

مهندخت فرخ‌نیا (اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر)

صفحه آرا: سمانه محمد پورلامع

چاپ دوم ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپخانه: تصویر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۳-۹۴-۶

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهیدوحید نظری - پلاک ۹۹

تلفن: ۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲ / همراه: ۰۹۱۲۲۰۰۴۵۵۷

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۹۰۰۰ تومان

"فهرست مطالب"

نیایش	۹
پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۳
۱- ادبیات باستانی	۱۹
ادبیات باستان	۲۰
باب دوم از وندیداد	۲۱
ارداویراف نامه	۲۳
داروی خرسندی	۲۵
۲- ادبیات حماسی	۲۷
داستان فرود	۳۱
حکایت فردوسی	۴۲
۳- ادبیات غنایی	۴۷
حزین لاهیجی	۴۹
فخرالدین عراقی	۵۰
حافظ	۵۰
خاقانی	۵۲
حکایاتی از چهار مقاله عروضی	۵۳
۴- ادبیات تعلیمی	۵۹
رودکی	۶۱
ایرج میرزا	۶۱
سخنانی از گلستان	۶۲

۶۴.....	جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی
۶۷.....	حکایاتی از بهارستان
۶۸.....	خاقانی
۷۰.....	حکایاتی از کلیله و دمنه
۷۱.....	حکایاتی از مرزبان نامه
۷۳.....	در شناختن حق مادر و پدر از قابوسنامه
۷۴.....	ناصرخسرو
۷۵.....	۵- ادبیات عرفانی
۷۶.....	حکایاتی از اسرارالتوحید
۷۹.....	سعدی
۸۰.....	کشف الاسرار
۸۱.....	حکایاتی از تذکره الاولیاء
۸۲.....	مثنوی مولوی
۸۶.....	سنایی
۸۷.....	نشانه هایی از عرفان گرایی در شعر معاصر
۸۷.....	سهراب سپهری
۸۹.....	قیصر امین پور
۸۹.....	امام خمینی(ره)
۹۱.....	۶- ادبیات جامعه شناختی
۹۲.....	تاریخ بیهقی
۹۲.....	ذکر حکایت افشین و خلاص یافتن بودلف از وی
۹۸.....	سنایی
۹۹.....	جمال الدین اصفهانی
۱۰۰.....	پروین اعتصامی
۱۰۰.....	سخنی از اخلاق ناصری
۱۰۱.....	حکایاتی از چهار مقاله
۱۰۲.....	نیما یوشیج

- ۱۰۴..... اخوان ثالث
- ۱۰۴..... شاملو
- ۱۰۵..... سید حسن حسینی
- ۱۰۷- ادبیات معاصر**
- ۱۰۹..... شعر نو
- ۱۰۹..... شعر سپید
- ۱۱۰..... غزل سنتی با رویکرد نو
- ۱۱۰..... شعر بعد از انقلاب
- ۱۱۱..... فروغ فرخزاد
- ۱۱۱..... سهراب سپهری
- ۱۱۵..... شفیعی کدکنی
- ۱۱۹..... هوشنگ ابتهاج
- ۱۱۹..... نمونه هایی از شعر موج نو
- ۱۱۹..... احمدرضا احمدی
- ۱۲۰..... نمونه هایی از شعر سپید
- ۱۲۰..... نادر نادرپور
- ۱۲۰..... هوشنگ ابتهاج
- ۱۲۱..... طاهره صفارزاده
- ۱۲۳..... موسوی گرما رودی
- ۱۲۵..... سلمان هراتی
- ۱۲۷..... غزل معاصر
- ۱۲۷..... حسین منزوی
- ۱۲۸..... قیصر امین پور
- ۱۲۹..... محمد علی بهمنی
- ۱۳۰..... یوسفعلی میر شکاک
- ۱۳۱- ادبیات پایداری**
- ۱۳۲..... قیصر امین پور

۱۳۳	مشفق کاشانی
۱۳۳	شاعری از افغانستان
۱۳۴	حمید المختار (از فلسطین)
۱۳۴	شاعری از بلیوی
۱۳۵	شکری
۱۳۵	محمد رضا عبدالملکیان
۱۳۶	محمد رضا سهرابی
۱۳۶	سلمان هراتی
۱۳۷	۹- نقد ادبی
۱۳۹	نقد و تحلیلی از شیخ صنعان
۱۵۰	خوانش شعر
۱۵۶	هوشنگ ابتهاج
۱۵۶	تحلیل و تفسیر شعر مرجان
۱۶۱	۱۰- آیین نگارش
۱۶۴	انواع نوشته
۱۶۵	انواع نوشته از نظر زبان
۱۶۵	انواع نوشته از نظر قالب
۱۶۶	انواع گزارش
۱۶۷	مراحل گزارش نویسی
۱۶۸	انواع مقاله
۱۶۹	روش مقاله نویسی
۱۷۲	روش تحقیق و پژوهش علمی
۱۷۹	نامه نگاری
۱۸۳	جدول رایج ترین کاربردهای نادرست
۱۹۱	فرهنگ واژه ها
۲۰۳	کتابنامه

نیایش

الهی یکتایی، بی همتایی، قیوم و توانایی، بر همه چیز دانایی، در همه حال بینایی،
از همه عیب مصفایی، از داشتن شریک مبرایی، اصل هر دوایی، جان داروی دلهایی،
شهنشاه فرمان فرمایی، معزز به تاج کبریایی، بالای تخت عرش معلایی، نه نیازمند
مکانی نه آرزومند زمانی، نه کس به تو ماند، نه تو به کس مانی، پیداست که در میان
جانی، و جان جانانی

«خواجه عبدالله انصاری»

✓ پیشگفتار

خوشبختانه یکی از افتخارات بزرگ ما ایرانیان این است که زبان فارسی به عنوان سندی بسیار قوی و عالمگیر برای حفظ هویت ملی و اخیراً زبان دوم عالم اسلام، برجستگی و کمال خود را در سطح جهان به منصفه ظهور رسانده است. کارکردهای متفاوت متون ادبی و اقبال گسترده بسیاری از ملیت‌های غیر ایرانی، انگیزه‌های ما را در جهت فراهم آوردن این مجموعه نیرو می‌بخشد. فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ در اوج قله‌های حماسه سرایی، سروده‌های عرفانی، ادبیات تعلیمی و غزلسرایی بر عمق و غنای ادبیات کلاسیک ایران افزوده‌اند. هرچند که شاعران دیگر نیز در این ماجرا بی‌نصیب نیستند. ادبیات معاصر ایران نیز با ظهور نیمایوشیچ مسیری نو و شگفت‌انگیز را در جهت زیبایی آفرینی و تلطیف روح و روان طی می‌کند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رویدادها و حوادث اجتماعی منجر به شکل‌گیری مضامین و درون‌مایه‌های تازه‌ای در حوزه شعر و داستان می‌شود که تاکنون در ادبیات فارسی سابقه نداشته است. در قلمرو ادبیات منشور، متون کلاسیک سرشار از داستان‌های حکمت‌آموزی است که همواره باید نصب‌العین جستجوگران حقیقت و سعادت باشد. داستان نویسی به شکل امروزی با جمال زاده آغاز می‌گردد و نویسندگان بزرگی چون غلامحسین سعدی، جلال آل احمد، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، میثاق امیر فجر، رضا امیرخانی، ... با خلق آثار بی‌بدیل خود بر رونق ادبیات داستانی می‌افزایند. در وادی شعر و شاعری سلمان هراتی، حسین منزوی، حسین اسرافیلی، قیصر امین پور، سیدحسن حسینی، به خلق مضامین و تصاویر جدید مبادرت می‌ورزند. شاید اولین پرسش خوانندگان این باشد که چرا به انواع ادبی پرداختیم؟ در پاسخ باید بگوییم که نویسندگان کتابهای فارسی عمومی، معیارهای متفاوتی را برای تقسیم‌بندی مباحث کتاب خود برگزیده‌اند. عده‌ای بر مبنای سبک‌های ادبی، جمعی بر اساس قالب‌های شعری و گروهی نیز تقسیم‌بندی موضوعی بدون توجه به قالب یا نوع را مبنای جمع‌آوری مطالب قرار داده‌اند. ما در این کتاب بر آن شدیم تا از یک سو بر اساس انواع ادبی مشهور و برجسته، به ترتیب زمانی به گزینش مطالب دست یابیم و از سوی دیگر نسبت به

نگرش های جدیدی که در عرصه ادبیات به عنوان مطالعات تطبیقی یا میان رشته ای ظهور کرده اند، غفلت نورزیم. از این رو در چینش مباحث بر اساس زمان و مکان و سبک عمل نکریدم؛ بلکه در جهت ایجاد تلفیقی بین انواع ادبی کلاسیک و گونه های ادبی جدید ... عزم خود را جزم کردیم. هدف اصلی این جستار، ضمن آگاه کردن دانشجویان رشته های دیگر با گونه های متنوع و جذاب نظم و نثر کلاسیک و جدید؛ نشان دادن کارکرد ادبیات در عرصه های متفاوت باستانی، حماسی، عرفانی، تعلیمی، غنایی، جامعه شناختی، و ادبیات پایداری است. امید است، مورد عنایت و پذیرش اهل نظر قرار گیرد.

از آنجا که ادبیات داستانی معاصر، بیشترین حجم کتاب های فارسی عمومی را به خود اختصاص می دهد؛ در حالیکه استادان گرامی و فرهیخته عمدتاً به تدریس متون منشور کلاسیک و شرح و توضیح شعرها مبادرت می ورزند؛ لذا از آوردن ادبیات داستانی معاصر - که خواندن آنها سرکلاس با توجه به کمبود وقت امکان پذیر نیست و از طرفی به دلیل زبان ساده امروز، نیازی به توضیح ندارند - صرف نظر شد. ولی استادان گرانقدر در حوزه نقد ادبی که مختصری در این کتاب به آن اشاره شده است، می توانند با توجه به علایق دانشجویان خود داستان یا رمانی خارج از این کتاب را به ایشان معرفی کنند تا به تجزیه و تحلیل و نقد ادبی آن مبادرت ورزند. همچنین از آوردن شرح مختصری از هر شاعر یا نویسنده، دوری شد تا عزیزان مدرس با نظر و سلیقه خود به معرفی ایشان بپردازند.

بدون شک گردآوری این اثر با همت و کوشش مهربانانه همکاران و عزیزانی بود که با جدیت و علاقه تمام آن را به انجام رساندند و ادعای خالی از لغزش بودن هر نوشتاری دور از خردمندی است. شرط انصاف اقتضا می کند تا سپاسگزاری خود را به همه استادان و سروران گروه زبان و ادبیات فارسی خصوصاً استاد گرانقدر جناب آقای دکتر صرفی که با الطاف بی دریغ خود موجبات نشر این کتاب را فراهم کردند؛ تقدیم نماییم. همچنین خود را وامدار استاد فرهیخته جناب آقای دکتر امیری خراسانی می دانیم که از کتاب ارزشمند زبان و آیین نگارش ایشان بسیار بهره گرفتیم، از همیاری شفقت آمیز جناب آقای دکتر علی جهانشاهی نیز تشکر می کنیم و از همه خوبان پر تلاشی که در انتشارات آوای نور در گسترش دانش، فرهنگ و زبان این مرز و بوم تلاش صادقانه دارند، خصوصاً مدیریت محترم جناب آقای میر حسینی قدر دانی می کنیم.

✓ مقدمه

واژهٔ ادب از فارسی باستان *dipi* به معنی کتیبه و ریشه فعلی سومری *dub* (نوشتن) گرفته شده است. مرادف قدیم پهلوی و فارسی آن هم، آنگونه که ریشتر و کریستن سن ادعا کرده اند، آیین است که از معنی تجمل و زینت خالی نیست و قدما هم در موارد بسیاری همین لفظ را برای ادب به کار برده اند. کلمهٔ فرهنگ نیز که به قولی مرادف و معادل فارسی آن است، حاکی از نوعی تهذیب اشرافی است و این همه نشان می دهد که ادب در هر حال یک نوع ذوق تجملی است و اگر دائم به تجمل گرایش داشته باشد، عجیب نیست. در حقیقت ادب عربی که منشأ ادب کلاسیک است. اساساً از دوران جاهلیت عرب عبارت بوده است از نوعی تهذیب و تربیت که انسان را از اشخاص عادی و معمولی متمایز کرده است. در آغاز دورهٔ اسلامی، ادب فرهنگی بوده است مقابل علم؛ یعنی مقابل فرهنگ دینی — که مجموعاً علم خوانده می شده و بدین طریق ادب، سبب تشخیص و تعیین بوده است. اما امروزه بیشتر لفظ ادبیات که صفت نسبی جانشین اسم و جمع ادیبه است، به جای ادب به کار می رود و مراد از آن، آداب یا علوم و فنون ادبی است.

در واژه نامه ها، واژهٔ ادب را به معنی فرهنگ، دانش، هنر، حسن معاشرت، دعوت به مهمانی، حسن محضر، آزر و حسن خلق، حرمت، تأدیب و تنبیه نوشته اند و گفته اند: دانشی است شامل علوم لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، قوانین، قرائت، ... که هر یک از معنی ها و تعریف ها ی یاد شده به تدریج در طول زمان برای واژه ادب به کار رفته است؛ اگرچه هیچ کدام تعریفی به سزا و شرحی روشنگر برای این واژه محسوب نمی شود. از این رو از دیرباز واژه ادب دو تعبیر و مفهوم را به ذهن متبادر می کرده است: ۱- ادب نفس ۲- ادب درس

آن کس که در تهذیب نفس و پالایش از صفات پست بهیمی و آراستن نفس به صفات الهی توفیق می یافته است، زینت ادب نفس را به خود اختصاص می داد و کسی که در تسلط و احاطه بر دانش های بلاغی و ادبی، دستی داشت؛ در وادی ادب درس گام می نهاد.

در دنیای امروز افزون بر این معنا، آنچه ادبیات را از سایر علوم متمایز می کند، زبان تصویر آفرین آن است. به عبارت دیگر در حوزه بیان و انتقال معانی دو نوع زبان وجود دارد: ۱- زبان خبری ۲- زبان ادبی

بدون شک در زبان خبری، وضوح، صراحت بیان، تک معنایی، مستقیم بودن پیام و گاه ایجاز

و اختصار؛ مهم ترین ویژگی های زبانی هستند. ولی برعکس در زبان ادبی، ابهام، پیچیدگی و گره افکنی، چند معنایی، غیر مستقیم بودن پیام، تازگی، انتظار برانگیزی و ایجاد حیرت، از برجسته ترین تفاوت های این زبان با زبان خبری است. در حوزه زبان ادبی گاهی معانی پیچیده علمی و فلسفی چنان با لطافتی شاعرانه به مخاطب تفهیم می شود که در پذیرش آن به ناچار سر تسلیم فرو می آورد؛ چنانچه حافظ با خلاقیت شاعرانه خود، همانندی بین جزء لایتجزی (نکته ای فلسفی) و دهان یار را نشان می دهد:

بعد ازینم نبود شائبه در جوهر فرد که دهان تو در این نکته خوش استدلالی است
و گاهی شعر با زبانی کنایی، فضایی آزاد برای بیان پلشتی های روزگار می گردد:

دلم گرفت ز سالوس و طبل زیر گلیم خوش آن دمی که بر در میخانه بر کشم علمی
ادبیات در معنای خاص خود شاید داشتن یک نگاه دقیق و موشکافانه به انسان، هستی، ماوراء طبیعت، رویدادها، .. و متأثر شدن و بیان تأثرات با زبانی هنرمندانه و زیبا باشد.
در باور یاکوبسن موضوع علم ادبیات، ادبیات نیست؛ بلکه ادبیت است، یعنی آنچه باعث می شود کاری (گفتمانی) اثر (گفتمان) ادبی نامیده شود. یعنی هر چه زبان ادبیات از قلمرو برقراری ارتباط صرف به ساحت بیان هنری نزدیک می شود، بر جذابیت و دلپذیری آن افزوده خواهد شد. شکلوفسکی مرز بین زبان عادی و ادبی را جدا کرد. گاه زبان در فرایند خودکاری خود، همان کاربرد معمول آن به قصد انتقال موضوعی است، ولی در فرایند آشنایی زدایی یا برجسته سازی با ظهور هنجارگریزی یا کاربرد ساختارهای غیر دستوری یا شیوه جدید بیان جلب نظر می کند. خوشبختانه متون ادبی فارسی چه با رویکردی کلاسیک و چه نوگرا در آفرینش تصویرهای بدیع و غیر متعارف در ساحت بیان، بسیار غنی بوده است. افزون بر این محتوای متن ادبی فارغ از شیوه بیان، بستر مناسبی برای مطالعات متفاوت تاریخی، اجتماعی، روان شناختی، ... است. به همین دلیل باید به تعیین انواع ادبی بر منبای مضامین متفاوت مبادرت ورزید.

به لحاظ تاریخی پس از ظهور اسلام و آشنایی ایرانیان با کتاب مقدس آسمانی (قرآن)، زمینه شکوفایی ادبیات فارسی چه در حوزه شعر و نظم و چه در حوزه نثر فراهم گردید. زیرا در نمونه های ادبی پراکنده ای که از پیش از اسلام برجای مانده است، به هیچ وجه زیبایی و جذابیت متون ادبی پس از اسلام مشاهده نمی شود. انصافاً منشأ و سرچشمه آفرینش های ادبی و هنری آیات روحبخش قرآن است که سرشار از آرایه های زیبایی بلاغی چون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل و... می باشد. و شاعران ما در خلق این لطافت ها و ظرافت های ادبی، مرهون این کتاب آسمانی - که معجزه جاوید در خطه علم بیان است - بوده و هستند.

تصویر آفرینی های قرآن مستمسک شاعران در تلمیح به آنها در شعر شده است. به عنوان مثال:

«لایدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سمّ الخياط...» ، (اعراف/۷)

رشته را با سوزن آمد ارتباط
کی شود باریک هستی جمل
نیست درخور با جمل سمّ الخياط
جز به مقرض ریاضات و عمل؟

در ادبیات فارسی بحث انواع ادبی دو شاخه دارد: ۱- محتوا و عوامل درونی ادبیات فارسی و اصطلاحاً موضوع و مادهٔ ادب، فارسی ۲- بحث در شکل و صورت ادبیات فارسی، شعر و تحول قالب های گوناگون از دید سنتی.

در گروه نخست می توان از چهار نوع حماسی (Epic)، غنایی (Lyric)، تعلیمی (Didactic) و نمایشی (Dramatic) نام برد. در نوع دوم تقسیم بندی صوری و رایج در ادب فارسی، در زمینه شعر است که عموماً در آثار بلاغی دانشمندان مسلمان یافت می شود. در این نوع تقسیم بندی توجه به قالب و شکل اثر است و آن را شامل انواعی مانند: قصیده، مثنوی، رباعی، غزل، دوبیتی، مسمط، قطعه، ترجیع بند، ترکیب بند و مستزاد می دانند.

در تفکر کلاسیک نظریهٔ انواع ادبی، کوششی است در راه تقسیم بندی موضوعات گوناگون ادبی با توجه به شکل ظاهری یا قالب هایی که موضوعات مورد نظر با مشخصات و قوانین ویژه خود در آن قالب ها آفریده و تألیف شده است. ولی تقسیم انواع ادبی بر مبنای محوریت موضع خاص، فارغ از قالب و شکل ظاهری که مدّ نظر فرمالیست ها است - همیشه ارجحیت داشته است. هر چند که باید به این تعریف رویکردهای متفاوتی که در حوزه ادبیات در واقع کارکرد ادبیات و اهمیت این دانش را در مقایسه با سایر علوم نشان می دهد، اضافه کرد.

رویکردهایی همچون ادبیات تطبیقی یا ادبیات پایداری که مبین پیوند ادبیات ملی و قومی با ادبیات جهان است و یا ادبیات جامعه شناختی که به ضرورت تأمل در متون ادبی، جهت شناخت عمیق تر جامعه در دوره های متفاوت تأکید می ورزد و... در پیدایش و ظهور انواع ادبی، تاریخ و گذشت زمان همیشه تأثیر گذار بوده است. مثلاً در ادبیات ایران با تکیه بر گات ها (بخشی از سروده های دین زرتشت)، ادبیات غنایی مقدم بر ادبیات حماسی است. با وجودی که که غالباً بر این باورند: تولد، شکل گیری و رشد ادبیات حماسی به صورت تدوین شده، مقدم بر ادبیات غنایی است. پس از آن نوبت به ظهور و رشد ادبیات غنایی، تعلیمی، صوفیانه و عرفانی می رسد. البته غلبه یک نوع ادبی، دلیل بر محو کامل نوع ادبی پیشین نیست. از این رو در بعضی دوره ها ما شاهد انواع ادبی متعدّد و متنوع هستیم. خصوصاً در عصر حاضر که افزون بر ادامهٔ حیات انواع ادبی کلاسیک، رویکردهای جدیدی در حوزه شعر و داستان آشکار شده است. گاه نیز تنوع و تکثر گونه های ادبی در آثار یک شاعر یا نویسنده مرز بندی آنها را دشوار می سازد و اساساً تفکیک و تمایز بین انواع ادبی کار چندان ساده ای نیست. گاهی یک نوع ادبی، جامع چند نوع دیگر است.

دکتر شفیعی کدکنی بر این باور است: «یکی از دشوارترین کارها تقسیم بندی شعر فارسی

است از نظر معنا و مفهوم. آن چه به عنوان شعر غنایی یا تمثیلی یا حماسی و حکمی و عرفانی معرفی شده، چندان مرزهای متداخل و درهم شده ای دارد که جز در عالم تعریف و مباحث مجرد و کلی نمی توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. تعریفاتی که ناقدان اروپایی از هر کدام از این انواع کرده اند، به هنگام تطبیق و سنجش با نمونه های شعر دری قابل انطباق نیست و هر چه در این راه بیشتر کوشش شود، حاصل کار پریشان تر خواهد شد؛ زیرا همان شعری که به عنوان حماسی معرفی می شود، ناگهان در زمینه ای بر طبق همان تعریف اروپایی، شعر غنایی شناخته خواهد شد.»

رنه ولک و وارن در تعریف نوع ادبی معتقدند: «نوع ادبی عبارت است از گروه بندی آثار ادبی که از لحاظ نظری مبتنی بر شکل بیرونی (بحر و ساختمان خاص) و نیز شکل درونی (نگرش، لحن، مقصود و با تسامح موضوع و مخاطب است.» به هر حال محتوا و مضمون جدید، نوعی جدید را در عرصه ادبیات می آفریند که شاید تا به حال سابقه نداشته است؛ همانگونه که شیوه جدید بیان همان مضامین پیشین، نوعی خلاقیت ادبی به شمار می آید. از این رو آفرینش های ادبی وقتی هنرمندانه و بدیع تلقی می شوند که یا نوآوری در شیوه بیان و یا نوآوری در محتوی و مضمون باشند.



بی عنایات خدا هیچیم هیچ
گر ملک باشد سیا هستش ورق
با تو یاد هیچکس نبود روا
تا بدین بس عیب ما پوشیده ای
متصل گردان به دریا های خویش
وار هانش از هوا وز خاک تن
تا که ما باشیم با تو در میان؟
تو وجود مطلق فانی نما
حمله شان از باد باشد دم به دم
آن که ناپیداست هرگز کم مباد
هستی ما جمله از ایجاد توست
عاشق خود کرده بودی نیست را
نقل و باده و جام خود را وامگیر

این همه گفتیم لیک اندر بسیج
بی عنایات حق و خاصان حق
ای خدا ای فضل تو حاجت روا
این قدر ارشاد تو بخشیده ای
قطره ای دانش که بخشیدی ز پیش
قطره ای علم است اندر جان من
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان؟
ما عدم هاییم، هستی ها نما
ما همه شیران ولی شیرِ علم
حمله شان پیدا و ناپیداست باد
بادِ ما و بودِ ما از دادِ توست
لذت هستی نمودی نیست را
لذت انعام خود را وامگیر

نقش با نقّاش چون نیرو کند؟
اندر اکرام و سخای خود نگر
با کریمان کارها دشوار نیست

ور بگیری کیت جست و جو کند؟
منگر اندر ما، مکن در ما نظر
تو مگو ما را بدان شه بار نیست

«مثنوی مولوی»